

جایگاه استان گلستان (گرگان) در تقسیمات کشوری ایران در دوره باستان

خلیل شعبانی

کارشناس ارشد جغرافیا و مدرس تربیت معلم امام خمینی گرگان

علیرضا اسدی

کارشناس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گلستان

چکیده

استان گلستان (جلگه گرگان) از شش صد سال قبل از میلاد مسیح در نوشته های مورخان و در حجاریهای عهد هخامنشیان به عنوان مملکتی فعال و آباد به نام هیرکانیا از آن یاد شده است. این استان در شش هزار سال پیش مرکز تمدن پیش از آریایی بوده و در زمان آریاییها یکی از استانها (ساتراپها) مهم به نام وهرکان و در جای به نام هیرکانیا از آن یاد شده است. هردوت مورخ یونانی منطقه گرگان را پارتن و به یونانی هیرکانی نوشته است. در اوستا به نام وهرکان یا وهرکانه و در کتیبه داریوش در بیستون و در کتب پهلوی ورکان و کورکان آمده است. در زمان آریاییها ایران به ۱۶ مملکت یا استان و در زمان مادها به ۳ ساتراپ نشین بزرگ به نامهای ماد کبیر ماد آتروپات و راگیانا تقسیم شده بود. گرگان جزء ماد راگیانا بود. در زمان مادها هیرکانیه (گرگان) مستقل بود. در زمان هخامنشیان تعداد ساتراپها در ایران از ۲۰ تا ۲۹ متغیر بوده و گرگان به نام وهرکانه یکی از ولایات یا ساتراپ پرتو یا پارت بود. در دوره سلوکی به ۲۵ تا ۲۷ ساتراپ تقسیم شده و هیرکانی همراه با پارت یکی از ساتراپ نشین های با اهمیت در این دوره بوده است. در زمان اشکانیان ایران به ۱۸ ساتراپ نشین تقسیم شده بود که گرگان به نام هورکانیا یکی از ساتراپ نشین های علیا و جداگانه بوده است. در دوره ساسانیان (دوره انوشیروان) ایران به چهار ایالت به نامهای ولایت گرگان ولایات خوران ولایت اوآختر و ولایات نیمروز تقسیم شده بود. هریک از ولایات بالا به نام کستک نامیده می شد.

مقدمه

کشور به عنوان اولین موضوع حقوق سیاسی و بین المللی و جغرافیایی در قرن هفدهم میلادی پا به عرصه گذاشت تا قبل از آن این واحد سیاسی از الگوهای خاصی پیروی نمی کرد. حدود مرزها با قدرت و زور تغییر و تعیین می گردید.

جایگاه استان گلستان (گرگان) در تقسیمات کشوری ایران در دوره باستان

گاهی به عنوان امپراطوری، زمانی اقلیم و ... نامیده می شد این واحد سیاسی جهت تسهیل کنترل و مدیریت و برنامه ریزی بهتر برای مردم تحت سلطه خود از طرف سیاست مداران و حاکمان زمان به بخشها و ناحیه های مختلف تقسیم می شد. حدود مرزها و نام این تقسیمات بر اساس سلاقی و قدرت حکام و پادشاهان و مسائل طبیعی، فرهنگی، اجتماعی، قومی و مذهبی در ایران تعیین و نام گذاری می شد و تاکنون از قانون مشخص پیروی نکرده و در هر زمان عواملی تاثیر گذار سبب تغییر نام ها شده و وسعت آنها دائم در حال تغییر و تحول بوده است.

کلیه ساختارهای سیاسی جهت بهتر اداره کردن کشورها نیز بوده و با درجه رشد تمدنی و بلوغ فرهنگی آنها ارتباط مستقیم داشته است. این تقسیمات در زمان های مختلف نامهایی گوناگونی همانند ساتراپ و خستراپاون، شهربان، خوره، ایالات، بیگلر بیگی ولایت در نهایت استان به خود گرفته است.

استان گلستان (گرگان) یکی از قدیمی ترین واحد سازگار یافته تمدنی ایران بوده است. که در طول موجودیت تاریخ خود الگوهای متنوعی را از نظر تقسیمات سیاسی جهت اداره و مدیریت بهتر به خود دیده است. تاریخ سیاسی و اجتماعی استان گلستان بیانگر تحولات عمده ای چون تهاجم و اشغال خارجی و یا کشمکش های داخلی و قومی بوده است و نقشه جغرافیایی آن از نظر وسعت با توجه به قدرت حاکمان همیشه در حال تغییر و تحول بوده است. وسعت آن در گذشته نسبت به امروز خیلی وسیع تر بوده است و نامهای مختلف را دارا بوده است.

جایگاه استان گلستان (گرگان) در تقسیمات کشوری ایران و در دوره باستان

استان گلستان (جلگه گرگان) از ۱۰۰۰۰ سال پیش مسکن اقوامی بوده است که مرحله جمع آوری خوراک را پشت سر گذاشته بودند. از ششصد سال قبل از میلاد مسیح در نوشته های مورخان یونانی و در حجاری های عهد هخامنشیان از جلگه گرگان یا هیرکان به عنوان مملکتی فعال و آباد یاد شده است. طبق شواهد مردم این ناحیه در طی ۱۵۰۰ سال فاصله بین دروه ما قبل تاریخ و زمان اشغال این منطقه به دست مسلمانان کم و بیش چادر نشین بودند.

استان گلستان (جلگه گرگان) یکی از نواحی کهن ایران است و در کتیبه های داریوش با ناحیه خراسان بخش بزرگی را به نام پرثو تشکیل میداده است. هردوت مورخ مشهور یونانی نام آن را پارتن و نویسندگان قدیم آن را هیرکانیا ضبط کرده اند، گرگان یکی از شانزده سرزمینی بوده است که در فصل اول کتاب وندیداد که از کتب پنجگانه اوستاست به نام وهرکان یا وهرکانه از آن یاد شده است. ناگفته نماند هیرکانی نام یونانی منطقه ای بود که در کتیبه داریوش در بیستون «ورگانه» و در کتب پهلوی «ورکان» و «کورکان» آمده است. طبق تحقیقات و حفاری های به عمل آمده از «تورنگ تپه» گرگان در سال ۱۳۱۰ توسط میسیون امریکایی، حومه گرگان

جایگاه استان گلستان (گرگان) در تقسیمات کشوری ایران در دوره باستان

از ۶ هزار سال پیش مرکز تمدن بوده است و نام آن را تمدن پیش از آریایی گذاشته اند . در زمان آریایی ها چنان که در اوستا آمده نام ۱۶ مملکت به قرار زیر می باشد .

تقسیمات ایران در زمان آریاییها

نام مملکت (استان)	موقعیت جغرافیایی
ایران واج	مملکت آریانهها
سوغده	سغد
مورو	مرو
باخدی	باجنز
نیسایه	بعضی با محلی در دو فرسخی سرخس و برخی با نیشابور تطبیق می کنند .
هرای و	هرات
وای کرت	کابل
اورو	طوی یا غزنه
وهرگان	گرگان
هرهوواتی	رجخ در جنوب افغانستان
ای تومن	وادی هیلمند
رگ	ری
سخریا حجر	شاهرود
ورن	صفحه البرز یا خوار (گرمسار)
هیت هندو	پنجاب هند
ولایتی که در کنار رودخانه رنگا به نام وسر	نامشخص

نام آریایی به معنی شریف یادوست و یا وفاست و نام ایران (سرزمین آریاییها) از همین لفظ گرفته شده است . به استناد کتیبه های داریوش اول ایران در این زمان به ۱۲ ناحیه تقسیم شده بود که اسامی نواحی بر گرفته از اقوام ساکن در آن مناطق بوده است مادها پارسها – هیرکانیها و ...

ایالات ولایات (ساتراپ) به شرح زیر بوده است :

- ۱- مادها ۲- پارساها ۳- هیرکانیان (گرگان) ۴- پارتها ۵- آریان ها ۶- دارنگیا ۷- آراتیان ۸- باکتریان ۹- سغدیان ۱۰- خوارزمیان ۱۱- مارکیان ۱۲- سارگارتیان

تقسیمات فوق بیانگر این است که وهرگان با گرگان قبل از زمان ورود آریاییها ، خود از مناطق دیگر ایران مستقل و یک واحد سیاسی بوده است .

جایگاه استان گلستان (گران) در تقسیمات کشوری ایران در دوره باستان

تقسیمات کشوری در دوره ماد ها ۷۰۸ - ۵۵۰ قبل از میلاد

مادها حکومت واحدی نداشتند بر عکس در تاریخ آشور عده زیادی از ایالات نامبرده شده (ناگو) در رأس آنها پادشاهان مستقل یا پیشوایان (در ایالات همه مادغربی) قرار داشته اند . که آنها به زبان آشوری بلی الی (رئیس قبیله) می نامیدند یا فرمان روایان ایالات مستقل می گفتند .

مادها اتحادیه ای از شش قبیله به نامهای پارتکن ها (ناحیه اصفهان) آریزانتها (در شرق ماد در یک منطقه صحرایی) بوسها ، ستروخاتها ، بودی ها و مگها داشته اند . طبق گفته هردوت در اواسط قرن هشتم قبل از میلاد موضوع سازمان دولتی در نظر ما دهها مجهول بوده است و فقط جماعات جداگانه بر اساس اطلاعات و انقیاد شخصی به وسیله قضات که به انتخاب مردم برگزیده می شده اند اداره می شد .

در اوستا آثاری از یک زندگانی شهر نشینی پیش رفته و اشاراتی درباره تشکیلات بزرگ حکومتی در تمدن مادی دیده نمی شود . مورخان و جغرافیدانان در ارتباط با تقسیمات سیاسی این دوره نظرات گوناگونی ارائه کرده اند . در زمان دیاکو سازمان سیاسی یاکشوری ایران از چندین شهربانی یا خستره پان یاساتراپ نشین تشکیل شده بود . ساتراپها (Satrabs) همان استان امروزی بود که در رأس هر یک از این ولایات فرمانداری منصوب می شود که عنوان رسمی ساتراپ را یدک می کشید . مفهوم لغوی ساتراپ به معنی خاصی یعنی نگهبان و حامی شاهنشاهی و شهریاری بوده است این واژه خود از زبان یونان گرفته شده است . قوم ماد مرکب از شش طایفه معتبر بود که تحت یک قدرت واحد و منظم کشور را اداره می کردند .

۱- دهبو (ایالت) یادخبو	} ساختار اجتماعی مادها در زمان دیاکو
۲- زنتو (قبیله ده نشین) زمین کشت شده کشتزار (	
۳- ویس (عشیره و تبار)	
۴- دمانا یا نمانا (خانه ، مسکن و خانواده)	

بعدها سرزمین ماد به سه ساتراپ نشین بزرگ (استان) به شرح زیر تقسیم گردید .

۱- مادکبیر (عراق عجم یا اراک)

۲- ماد آتروپان (آذربایجان)

۳- راجیانان یا راگیانا (اطراف تهران امروزی ویا ری سابق و اطراف آن)

به عبارت دیگری

۱- ماد کوچک (شامل آذربایجان)

جایگاه استان گلستان (گران) در تقسیمات کشوری ایران در دوره باستان

۲- ماد بزرگ (شامل عراق عجم و کردستان)

۳- راگیانا یا اگیانا (شامل ری و لایات اطراف آن)

تقسیمات کشور مادها از زبان دیاکونف

۱- ماد آتروپاتن (نواحی سان گی بوتو - سرزمین ماندا - سرزمین ژاموا - پارسوا)

۲- ماد سفلی (شامل همدان - رودکها - کوه رود - خواریا حورانا)

۳- مادپارتاکنا (- پارس - ارمنستان - آشور - عیلام - درنگیانه یا سارانگی - پارت یا پارتیه - پارتو - هریوه - سکایا و کاسپیا) .

در اوستا سلسله مراتب قدرت در زمان مادها به شرح زیر آمده است این قدرتها عبارت است :

نمانوپاتی (حکمران خانه) و سپاتی (حکم ران خاندان یاده) زنتوپاتی (حکم ران قبیله) داخیوپاتی (حکم ران ایالت) زردشت (رئیس روحانیون)
در زمان هوخشتره (کواکسار ۶۲۴ - ۵۸۵ ق م) ماد به اوج قدرت رسیده بود . و علاوه بر سرزمین خود در سال ۶۱۲ ق م بر پارس آشور شمالی ، کاپادوکیه ، ناحیه کاسپیان ، پارت و هیرکانیا (گران ، هرکانه) مسلط گردید گزنفون با اطمینان خاطر در کورشنامه می نویسد که هیرکانیه (گران) در زمان مادیهها مستقل بوده است ولی به گفته کتسیاس چنین نبوده است (ظاهراً آنچه کتسیاس بارکانیا می نامد و از « وارکانا » ... ی پارسی باستان مشتق است همین جاست .

« وهرکانه vahrkana ی اوستایی یا « در سرزمین گرگ » گمان می رود دراین مورد حق با کتسیاس باشد و شخصی با نام ارتسیر در عهد آستیاک (ایشتوویگو) ساتراپ (فرماندار) هر کانه بوده و بعدها جزو نزدیکان کمبوجیه دوم در آمده .

تقسیمات کشوری در زمان هخامنشیان ۵۵۰ - ۳۳۰ قبل از میلاد

کشور ایران در زمان هخامنشیان بزرگترین امپراطوری در دنیا را شامل می گردید . جهت بررسی تقسیمات سیاسی ما از چند مثال یا دوره ، پادشاهی به عنوان شاهد مطالبی را آورده ایم در تورات باب ۸ آیات ۸ تا ۱۰ بخشهای ایران از صدو بیست و هفت که از هند تا حبش را شامل می شده یاد کرده است . وسعت این امپراطوری از شرق به غرب از سواحل غربی اقیانوس هند تا سواحل دریای آدریاتیک و قرطاجنه و از شمال به جنوب از ماورای سیحون تا حبشه در واقع بزرگترین امپراتوری زمان بود . در زمان کورش نیز ساتراپها وجود داشته اند با این تفاوت که همان فتودال ها و مالکین اراضی وسیع بودند . در دوران کورش سرزمین ایران به ساتراپ نشینهای بیست گانه تقسیم شده بود .

هردوت تعداد ایالات ایران را در دوران داریوش بیست استان یا شهربانی (ساتراپ یا خسترپاون) ذکر کرده است . در کتیبه بیستون ترجمه رانسن که خود قدیمی ترین کتیبه های دستگاه هخامنشیان است تقسیمات سیاسی زمان داریوش (در خانه اول فقره شش) چنین آمده ، داریوش پادشاه می گوید اینها مملکتهائی است که در تصرف من آمده به فضل اهورامزدا من بر آنها پادشاه شدم .

جایگاه استان گلستان (گران) در تقسیمات کشوری ایران در دوره باستان

- ۱- پارسا ۲- اوجها ۳- اثرا ۴- اربایا ۵- مدرایا ۶- سپاردا ۷- بونا (که این دو در سواحل دریا هستند) ۸- ارمنیا ۹- کانایا
۱۰- تهوکا ۱۱- پارثاوا ۱۲- دزاقا ۱۳- هاروا ۱۴- اوا ۱۵- رازمیا ۱۶- باکنتارش ۱۷- سغدا ۱۸- ساکا ۱۹- تاتاکوش ۲۰- هارا
۲۱- اواتش ۲۲- ماکا

در جای دیگر آمده است در دوران داریوش این ایالات گسترده گردید و به ۲۹ ایالت افزایش یافت در زمان هخامنشیان استان گلستان یا گران به نام وهرکانه یکی از ولایات یا ساتراپ پرثو parthaua یا پارت (خراسان) بود . در حقیقت گران یکی از نواحی بزرگ با اهمیت و باستانی ایران در این زمان بود . این منطقه در زمان هخامنشیان که خود بخشی از هیرکان یاورکان بود از جنوب به پارت از مغرب به ری از مشرق به مرو و شمال غربی به دریای خزر محدود می شد پدر داریوش کبیر ویشتاب مدتی فرماندار این نواحی بوده است .

ساتراپ های دوره داریوش

نام ساتراپ	موقعیت جغرافیای
۱- ماد	بخشی از شمال و شمال باختری ایران
۲- خووجا	خوزستان
۳- پرثو	پارت (خراسان)
۴- هرایو	هرات
۵- باختریش	باختر
۶- سوغودا	سغد و بخارا
۷- خوارزمیش	خوارزم
۸- زرنک	سیستان
۹- هرخواستیش	بخشی از افغانستان امروزی
۱۰- ثت گوش	پنجاب و سند
۱۱- گندار	پیشاور و کابل
۱۲- هیندوش	هند و سند
۱۳- سکاهوم ورک	مردمان جنوب روسیه و اطراف سیحون
۱۴- سکا تیگر خشودا	سکاهای تیزخود این سوی رود جیحون
۱۵- بابیروش	بابل و کلد
۱۶- آسورا	آسور
۱۷- اربای	عربستان
۱۸- مودارایا	مصر و لیبی
۱۹- آرمینا	ارمنستان
۲۰- کت پتوک	کاپادوکیه
۲۱- سپرد	بیویه (سارد)
۲۲- یئونا	ینیان (یونانیان آسیای صغیر)

جایگاه استان گلستان (گران) در تقسیمات کشوری ایران در دوره باستان

سکاهای دریای شمالی ورود انوب	Sokatyetradya	۲۳- سکانتی ترادریا
مقدونیه	Skudra	۲۴- سکودر
یونانیان سپردار (تراکیه)	Yonataka bara	۲۵- پئونانک برا
سومانی و بخشی از امزیکا	Putiya	۲۶- پوتی یه
چشمه	Kushiya	۲۷- کوشیا
مکران	Makya	۲۸- مکیا
کارتاژ (قرطاجنه)	karkha	۲۹- کرخا

تقسیمات کشوری در دوره سلوکی (۳۳۱ ق م)

وسعت و قلمرو سلوکیدها به وسعت هخامنشیان نبود ولیکن کشور در این دوره به ۷۲ قسمت بزرگ و کوچک تقسیم می شود که اسامی واحدهای تقسیماتی در برگیرنده نامهای ایرانی و بعضی از نقاط دارای اسامی یونانی بوده اند مانند ایساتیس برای یزد فعلی .

بزرگترین تقسیمات سیاسی سلوکی ساتراپ نام داشت که همان خشترپانهان هخامنشیان بود . تقسیمات کشوری دوره اسکندریه شامل ساتراپ نشین هایی ایالات شرقی شامل ایران و جزئی از آسیای میانه و هند (موسوم به ساتراپی های علیا) که عبارتند از پارتاکن ، پرسید ، کرمانی ، ماد ، تاپوری (و سرزمین های ماردها) ، پارتها یا هیرکانی ، باکتريا ، آریا بادرنگیان ، هیدروسی با سرزمین اوریت ها ، آرخوسیا و سرزمین های پارو پانیساد و هندوستان و ایالات هند سفلا .

در نهایت پادشاهان سلوکی دارای بیست و پنج تا بیست هفت ساتراپ نشین بودند . پارس - کرمان ماد بزرگ - ماد کوچک - پارت و هیرکانی - باختر - سغد - آره - آ - زرنگ (هرات و سیستان) آرا خوزیا - باگدروز (افغانستان جنوبی و بلوچستان) - پاپانیازاد (کابل و مشرق آن) ولایت بین هند و کش تا رود سند - ولایات بین سند و رود هیرا سپس ولایات بین قسمت سفلائی سند تایتال - ساتراپ نشین های علیا دوازده عمود بودند .



جایگاه استان گلستان (گران) در تقسیمات کشوری ایران در دوره باستان

در هر ایالتی شهریان قدرت داشت اما امور مالی ایالت توسط فردی به نام « اکنوم » که مستقیماً زیر نظر پادشاه سلوکی قرار داشت صورت می گرفت . امور نظامی هر ایالت نیز توسط فرماندهان نظامی اداره می شد که از سوی پادشاه انتخاب می گردیدند . در نظام ساتراپی سلوکیان ساتراپ یا شهریان ها در رأس تشکیلات هر ایالتی قرار داشتند .

از لحاظ اداری قلمرو سلوکی (لاقل دردوران اعتلای آن بعد از سه چهار نسل از اخلاف سلوکوس پایان یافت) شامل حدود هفتاد حوزه حکمرانی بود که هر چند حوزه آن یک استان (ساتراپی) را تشکیل می داد اما با وجود استقلال محلی ساتراپها حکم پادشاه سلوکی بر سر قلمرو وی نافذ بود پادشاه بر اعمال حکام تابع نظارت و اشراف داشت و برای اعمال این نظارت در بار او گاه به صورت یک اردونی متحرک نظامی در نواحی مختلف کشور در حال حرکت بود .

باکاسته شدن نظارت آنها بر ولایات شرقی سلطه آنان در ولایات ایرانی به طور محسوسی رو به زوال رفت ولایات پارت و گران هم تحت رهبری خاندان ارشک از سر کردگان عشایر ایرانی آن نواحی سر از ربه انقیاد فوم بر تافت و در حدود ۲۴۷ ق م این منطقه از زیر حاکمیت سلوکی خارج شد .

تقسیمات سیاسی پارت ها

پارت در عهد قدیم مملکتی بود که اکنون آن را خراسان می نامیم . داریوش اول د رکتیه بیستون و تخت جمشید و نقش رستم آن را پرثو نامیده و نویسندگان یونانی اسم این مملکت را پارثیا و پاثوآیا نوشته اند . سرزمین پارت از جنوب شرقی دریای خزر به صورت صفحه باریکی به طرف مشرق امتداد داشت . از شرق به هریر رود از غرب به دریای خزر محدود می شد . هیرکان یا گران با پارت دو مملکت بودند که حدود آنها زیاد مشخص نبود .

با توجه به نقشه ها و کتب و آثار تاریخی نشان می دهد که گران در سمت شمال و غرب این مملکت بوده و پارت در طرف جنوب و شرق یعنی بزرگترین قسمت وادیهای رود اترک و رود گران جزء مملکت گران بود و کمتر قسمت جزء پارت بوده است .

ولایات پارت در عهد قدیم شامل مناطق زیر بوده است: سمنان ، دامغان ، شاهرود ، جوین ، سبزوار ، نیشابور ، مشهد (طوس) ، بجنورد ، قوچان ، درگز ، سرخس ، اسفراین ، جام ، باخزر ، خواف ، ترشیز (کاشمر) ، تربت حیدریه

ایسیدور خاراکی (قرن اول بعد از میلاد) تعداد نوزده ساتراپی هایی را نام برده ولی البته عده ی این ساتراپی ها بیشتر بوده و به مراتب کوچکتر از ساتراپی های سلوکیان بود . تقسیمات جزئی در داخل ساتراپی ها وجود داشته است . ساتراپی ها به هیپارستی ها تقسیم می شدند و هر هیپارشی به نوبه خود به واحد های اداری بسیار کوچکی به نام ستاتم که عده ای از روستاها و قصبات هم جزو آن بودند تقسیم می شدند .

جایگاه استان گلستان (گران) در تقسیمات کشوری ایران در دوره باستان

علاوه بر ساتراپ ها در سازمان حکومت پارت ها منابعی به نام مرزبان ها وجود داشتند و عدد آنها چهار تا بوده در چهار قسمت اصلی جهان قرار داشتند و ساتراپها تابع آنها بودند .

تقسیم سیاسی در دوره اشکانیان ۲۴۸ ق م

اشکانیان برای اداره مملکت در تقسیم بندی بیشتر به شهرها می پرداختند . نام چهار شهر مهم در دوره اشکانیان ارشک ، صد دروازه ، هگمتانه (همدان) و تیسفون بود قلمرو اشکانیان شامل تعدادی دولتهای مستقل دست نشانده . هم می شد آنچه به وسیله حکام (ساتراپهای) اشکانی اداره می شد شامل هیجده ساتراپی بود که یازده ساتراپی را از ساتراپی های علیا ، و هفت ساتراپی را ساتراپی های سفلی می خواندند . ساتراپی های علیا شامل ولایات شرقی این قلمرو و ساتراپی های سفلی شامل ولایات غربی آن بود . تعداد ولایات در دوره اشکانیان بین ۱۴ تا ۱۵ ولایت و بعضاً ۱۸ ولایت ذکر شده است .

ساتراپی سفلی

۱- بین النهرین (Mesopotimia) یا اراضی شمال بابل

۲- آپولونیاتیس (Apolloniatidis) جلگه واقع در شرق دجله

۳- خالونی تیس (chalonitis) بلندیهای اطراف زاگرس

۴- مادغربی : حدود نهاوند

۵- کامبادین (cambaden) حدود بیستون و بخش کوهستانی ماد

۶- مادعلیا : اکباتانا (همدان)

۷- رگیان (Rhagian) نواحی شرق ماد

ولایات شرقی یا ساتراپی های علیا

۸- خوارنه (choarene) سردره خوار

۹- کومیسنه (comisene) کوهس (قومس) ناحیه کناره کویر

۱۰- هورکانیا (Hyrcania) گران

۱۱- استابنه (Astabene) ناحیه استوا قوچان

۱۲- پارتیا (parthyene) خراسان

جایگاه استان گلستان (گرگان) در تقسیمات کشوری ایران در دوره باستان

۱۳- اِپه ورکتی کنه (Apavarcticene) ایبورد ، حدود کلات

۱۴- مرگیانه (Margiane) ولایت مرو

۱۵- آریا (Aria) هریوه ، ولایت هرات

۱۶- انائون (Anauen) بخش جنوبی هرات

۱۷- زرنگیان (zarangiane) زرنج ، کنار هامون

۱۸- آراخوزیا (Arachosia) رخج در ساحل علیای هیرمند در ناحیه قندهار

تقسیمات سیاسی اشکانیان به روایت گوت شمید :

۱- بابل ۲- آپلونیاتیس (سی تا سن سابق) ۳- خالونیت ۴- کارینا (نهاوند) ۵- کامبادان (کرمانشاه) ۶- مادبالا (همدان) ۷-

مادپایین یا ماد رازی (ری) ۸- خوآرن (خوار) ۹- کمیسن (قومیش) نواحی سمنان و دامغان کنونی ناحیه ای که جزو پارت بالاحض

بوده ۱۴- مرگیا (مرو) ۱۵- آریا (هرات) ۱۶- آنائوئر جزء هرات ۱۷- زرنگ (سیستان) ۱۸- آراخوز یا (رنج یا هندوستان سفید .

علاوه بر ۱۸ ساتراپ نشین ۹ امارت در اطراف ایالت مذکور وجود داشتند که تابع پادشاهی اشکانی بودند . آنها عبارتند از :

۱- ارمنستان ۲- اسروئن ۳- کردوئن ۴- آدیابن ۵- هترا ۶- آتروپاتن ۷- میسان ۸- ایلام ۹- پارس

هورکانیا یا هیرکانیا گرگان امروزی یکی از ساتراپ نشین های علیای دوره اشکانی بود . هیرکانیا در دوره اشکانی از ساتراپ پرثویا که در

زمان اشکانیان پارتیا خوانده می شود جدا و خود یک ساتراپ مستقلی را تشکیل داد .

در زمان سلطنت اشک بیست و دوم (بلاش اول) شورشی در هیرکانیا (گرگان) روی داد . گرگانی ها سفرای نزد امپراتور روم فرستاده و

اتحاد روم را درخواست کردند ..

قابل ذکر است که در نوشته تنسر (روحانی در بار اردشیر) گرگان در این دوران همراه مناطق چون آذربایجان ، طبرستان ، گیلان ، ری ،

، قومس ، دامغان ، رویان ، و دماوند منطقه پذیرشوارگر نامیده می شد و تحت پادشاهی جسنف ، شاه اداره می شدند .

تقسیمات سیاسی در دوره ساسانیان ۶۵۲-۲۲۴ ق . م

در دوره ساسانیان حکام ایالات (ساتراپ ها) یا مرزبانان از مستخدمین عالی مقام دولت محسوب می شدند . در ردیف مرزبانان

شهرداران که لقب شاه داشتند . همچنین مرزبانان فروتر بودند که برولایات داخلی فرمانروایی می کردند . ولایات این زمان (ساتراپ) از

قول آمیانوس عبارت است از آشور ، خوزستان ، ماد ، پارس ، پارت ، کرمان بزرگ ، هیرکانی (گرگان) مرو ، بلخ ، سغد ، سکستان ،

جایگاه استان گلستان (گرگان) در تقسیمات کشوری ایران در دوره باستان

هرات ، سریکا هرات ، پاروپا ، نیز ادها ، زرنک ، رخج و بر طبق تفحصات هر تسفلد پس از فتوحات و هرام (بهرام) دوم که در سال ۲۸۴ میلادی واقع شد کشور ساسانیان در مشرق ایران کنونی شامل ممالک ذیل بوده است .

۱- گرگان (هیرکانی) و تمام خراسان

دردوره ساسانیان به روایتی در دوره انوشیروان کشور به چهار ایالت یا استان که بدان پاژوکس نیز گفته می شد تقسیم گردید . اسامی این چهار ولایت عبارتند از استان خورآسان ، در واقع همان استانهای شرق کشور بود که شامل خراسان کنونی ، خوارزم ، بخارا ، سغد ، گرگان ، سیستان و بلوچستان و دیگر ولایت شرقی بوده است .

۲- ولایت خوروان .

در واقع همان استانهای غرب کشور می باشد که شامل کرمانشاهان و کردستان و دیگر ایالات غربی منجمله عراق بوده است .

۳- استان اواختر (استان شمالی)

آذربایجان ، ارمنستان ، گرجستان ، قفقاز و مازندران (تپورستان) و دماوند راشامل می شده است .

۴- استان نیمروز (جنوب)

شامل خوزستان ، پارس ، کرمان ، تاسگستان و سند بوده است .

یا به عبارتی خسرو انوشیروان کشور را به چهار ایالت (استان) بزرگ به شرح زیر تقسیم نمود :

۱- شرق مشتمل بر خراسان و کرمان

۲- غرب عبارت بود از عراق و بین النهرین

۳- شمال متضمن ارمنستان و آذربایجان

۴- جنوب شامل فارس و خوزستان

هر یک از مناطق را یک کستک می نامیدند . حکام ایالات (ساتراپها) یا مرزبانان از مستخدمین عالی مقام دولت بودند بر طبق تفحصات هیرکانی یا گرگان در سال ۲۸۴ میلادی یکی از ساتراپ نشین های بزرگ ساسانی بود که در آن زمان بس وسیعتر از امروز بوده است و از قدرت اجتماعی نظامی و اقتصادی بالایی برخوردار بوده است .

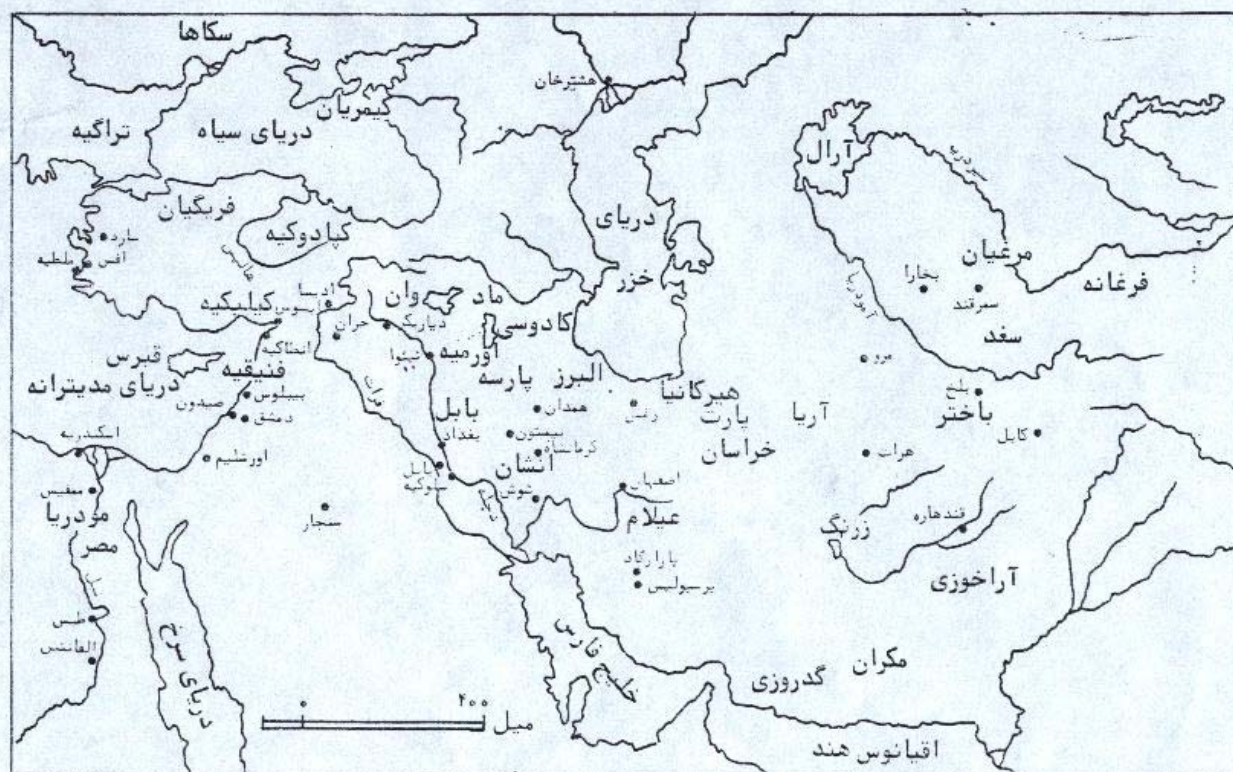
منابع و مأخذ

۱- دیاکونف ا-م- ترجمه کریم کشاورز تاریخ ماد انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۴۵

جایگاه استان گلستان (گرگان) در تقسیمات کشوری ایران در دوره باستان

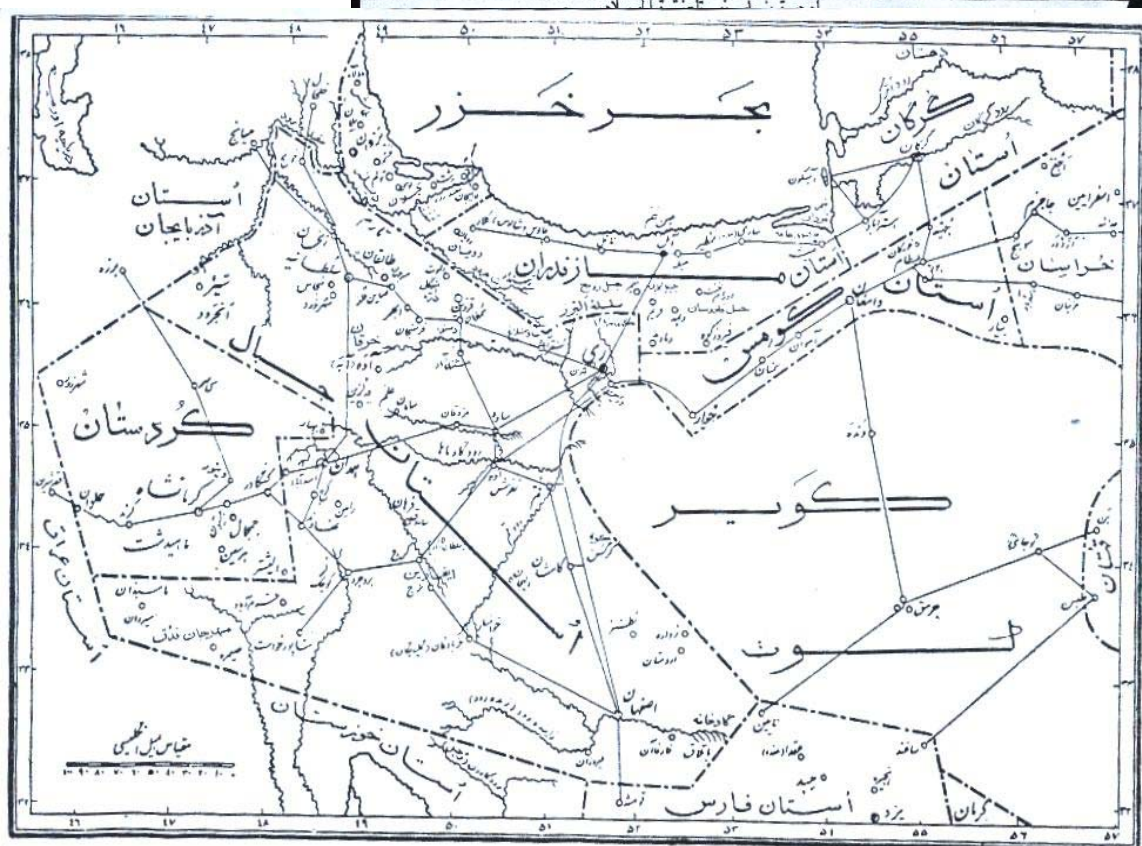
- ۲- باوزانی السنادر ترجمه مسعود رجب نیا ایرانیان (تاریخ ایران با تکیه بر اوضاع اقتصادی و اجتماعی) انتشارات روزبهان ۱۳۵۹ ص ۲۶
- ۳- مشکور محمد جواد ایران در عهد باستان چاپ دوم ۱۳۴۹ ص ۷
- ۴- نهچیری عبدالحسین جغرافیای تاریخی شهرها انتشارات مدرسه بهار ۱۳۷۰ صفحات ۲۰۰ - ۱۸۹
- ۵- لسترنج ترجمه محمود عرفان جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی ۱۹۰۵ چاپ ۱۳۳۷ ص ۴۰۲ - ۴۰۱
- ۶- شیرازی جاوید تقسیمات کشوری در ایران انتشارات پرس مان ۱۳۸۲ ص ۲۴ الی ۴۲
- ۷- حقیقت (رفیع) عبدالرفیع تاریخ قومس انتشارات آفتاب ۱۳۶۲ ص ۴۰ - ۱۵
- ۸- دیاکونوف میخائیل میخائیلوویچ تاریخ ایران باستان ترجمه روحی ارباب انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۴۶ ص ۸۲ - ۶۲
- ۹- شعبانی، خلیل مقاله تقسیمات کشوری استان گلستان در کتاب تاریخ گرگان به کوشش زینب احيائي
- ۱۰- هردودت، تواریخ، ترجمع ع. وحید مازندرانی، تهران: دنیای کتاب. ۱۳۶۸
- ۱۱- هوار، کلمان. ایران و تمدن ایرانی. ترجمه حسن انوشه. تهران: امیر کبیر ۱۳۶۳.
- ۱۲- مشکور، محمد جواد و رجب نیا، مسعود. تاریخ سیاسی و اجتماعی اشکانیان تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۷
- ۱۳- گیر شمن، رمان. ایران از آغاز تا اسلام ترجمه محمد معین، تهران انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۶۶
- ۱۴- پیرنیا، حسن و اقبال آشتیانی عباس، تاریخ ایران از آغاز تا انغراض قاجاریه تهران: کتابخانه خیام ۱۳۶۴
- ۱۵- بریان، پی یر، تاریخ امپراتوری هخامنشی از کوروش تا اسکندر ترجمه مهدی سمسار، تهران، نوریاب ۱۳۷۷
- ۱۶- پیرنیا، حسن. ایران باستان. تهران ۱۳۱۱
- ۱۷- اعتماد السلطنه، محمد حسن خان. به تصحیح میرهاشم محدث تطبیق لغات جغرافیایی قدیم و جدید ایران. انتشارات امیر کبیر. تهران ۱۳۶۳.
- ۱۸- اعتماد السلطنه، محمد حسن خان. به کوشش دکتر عبدالحسین نوائی و میرهاشم محدث مرآته البلدان. انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۶۷.
- صفحات ۲۶۶، ۲۷۴، ۲۷۸، ۴۹۹.
- ۱۹ - معطوفی اسدالله استرآباد و گرگان در بستر تاریخ ایران انتشارات درخشش مشهد بهار ۱۳۷۴

جایگاه استان گلستان (گروگان) در تقسیمات کشوری ایران در دوره باستان



ایران باستان در زمان داریوش اول (۵۲۲-۴۸۶ پ. م) و اسکندر (۳۵۹-۳۳۶ پ. م.)

جایگاه استان گلستان (گروگان) در تقسیمات کشوری ایران در دوره باستان



نقشه جبال و دیلم و طبرستان (مازندران)

جایگاه استان گلستان (گرگان) در تقسیمات کشوری ایران در دوره باستان

